

مبانی و ابعاد مردم‌دوستی در الگوی اخلاقی امام رضا علیه السلام

جواد محمدی

مهدی آشناور

چکیده

هدف پژوهش: مقصود ما از انجام این تحقیق، بررسی و تبیین مقوله «مردم‌دوستی» از منظر امام رضا علیه السلام است.

بیان مسئله: مردم‌دوستی از دیدگاه امام هشتم علیه السلام در واقع زیرمجموعه «اخلاق اسلامی» به شمار می‌رود. احسان و نیکی به مردم در چشم‌انداز اسلامی دارای مکان و مرتبت بسیار والایی است و یکی از مهم‌ترین طرق سیر و سلوک الی الله شناخته می‌شود، از این رو پرداختن به آن بسیار ضروری می‌نماید. روش تحقیق: این پژوهش به شیوه تحلیلی - توصیفی انجام شده و تلاش نگارنده بر آن بوده است که نگاه جامعی به روایات و سیره آن حضرت داشته باشد.

یافته‌های پژوهش: این مقاله به طور مستدل نشان می‌دهد که مردم‌دوستی از منظر امام رضا علیه السلام بر مبانی مستحکمی استوار بوده، دارای ابعاد فراوان و جالب توجهی است، از ضوابط و قواعد دقیقی برخوردار است، امری دارای مراحل و اولویت به شمار می‌رود و ثمرات و فواید بسیار ارزش‌مندی را نیز به همراه خود دارد.

کلیدواژگان: امام رضا علیه السلام، مردم‌دوستی، سیره، سخنان، بررسی و تبیین.

مقدمه

در چشم انداز اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام، مردم «عیال» خداوند به شمار می‌روند.^۱ خدایی که نه زاده، نه زائیده شده و نه شریک و هم‌تایی برای او متصور است، از آن جهت که خلاق آفریده او هستند و تأمین روزی‌شان بر عهده اوست، آنان را «عیال» خود نامیده و محبوب‌ترین انسان‌ها نزد خود را کسی خوانده که به عیالش مهربان‌تر و در برآوردن حاجات آنها کوشاتر باشد.^۲ آیین فرازند اسلام با چنین بینشی پیروان خود را هر چه بیشتر به مردم‌دوستی و مردم‌داری و احسان و اکرام و لطف و مرحمت به تمامی انسان‌ها فراخوانده است.

پیامبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام، اولیاء و نمایندگان چنین دین و آیینی هستند و وجود مبارک‌شان، سرتاسر رحمت و مهربانی به مردم است: **(وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)**^۳ آن بزرگواران با کلام و روش و منش خود، طریق صحیح مردم‌دوستی و مردم‌داری را به بهترین شکل به همگان آموخته‌اند.

در این پژوهش بر آنیم که مردم‌دوستی را از منظر حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بررسی و تبیین کنیم و به سؤالات زیر پاسخی شایسته و محققانه دهیم:

- مبانی مردم‌دوستی از منظر امام رضا علیه السلام کدام‌اند؟

- مردم‌دوستی و مردم‌داری دارای چه ابعادی است؟

- اولویت‌های مردم‌دوستی از چه قرارند؟

- ضوابط و حدود مردم‌دوستی چه چیزهایی است؟

^۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُرُورًا.»؛ مردم خانواده خدا هستند. محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که به خانواده او سود رساند و باعث سرور اهل خانه‌ای شود. (کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۶)

^۲ اشاره به حدیث قدسی: «الْخَلْقُ عِيَالِي، فَأَحَبُّهُمْ إِلَيَّ أَطْفُهُمْ بِهِمْ وَ أَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ.»؛ مردم خانواده من هستند، محبوب‌ترین آنها نزد من مهربان‌ترین آنها به خانواده‌ام و کوشاترین آنها در برآوردن حاجات‌شان می‌باشند. (کافی، ج ۲، ص ۱۹۹).

^۳ انبیا، آیه ۱۰۷.

- مردم‌دوستی چه ثمرات و فوایدی در بردارد؟

شیوه ما در این تحقیق، تحلیلی - توصیفی است و کوشیده‌ایم بررسی جامعی در مورد موضوع یاد شده سامان دهیم. نوآوری و برجستگی این اثر در آن است که ابتدا مبانی مردم‌دوستی از دیدگاه امام هشتم علیه السلام مورد بحث قرار گرفته، آن‌گاه به ابعاد و فواید و راهکارهای تقویت آن پرداخته شده است. عدم توجه به این مبانی - که به نوعی مبانی اخلاق رضوی هم به شمار می‌رود - این نقص بزرگ را به دنبال خواهد داشت که مردم‌دوستی بر بنایی مستحکم و رکنی وثیق استوار نشده، تمایز آن از حیث سمت و سو و هدف، با مکاتب التقاطی و الحادی فراوانی که در دنیای امروز بر دست و پای بشر زنجیر شده‌اند، به خوبی تبیین نشود.

۱. مبانی مردم‌دوستی و مردم‌داری از منظر امام رضا علیه السلام

مردم‌دوستی شاخه‌ای از «اخلاق» به شمار می‌رود. اخلاق به نوبه خود علمی است و از دیرباز تا کنون، علمای «علم اخلاق» و اندیشمندان و فلاسفه بزرگی به بیان مفاهیم آن پرداخته و از چرایی و فلسفه آن نیز سخن گفته‌اند، به گونه‌ای که امروزه «فلسفه اخلاق» خود دانشی پربهاست و در آن از امور مختلفی از جمله مبانی مکاتب اخلاقی گوناگون، بحث به میان می‌آید.^۱

در این بخش می‌خواهیم بدانیم مردم‌دوستی از نگاه نورانی امام رضا علیه السلام بر کدام مبانی استوار است و اصولاً خاست‌گاه مردم‌گرایی و مردم‌داری در اندیشه تابناک رضوی چیست؟ به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم فلسفه مردم‌دوستی از منظر امام هشتم چیست؟ چرا باید مردم دوست و مردم‌دار بود؟ سخن از چرایی پدیده‌ای، در واقع سخن از مبانی آن است.

الف. توحید و خدامحوری

بنیادی‌ترین مبانی مردم‌دوستی در سیره امام هشتم علیه السلام، توحید و خدامحوری است. مردم‌دوستی از دیدگاه آن امام همام، زمانی ارزش محسوب می‌شود که برای خدا و به انگیزه صحیح معنوی صورت پذیرد. در حدیثی از حضرتش می‌خوانیم: «مَنْ اسْتَفَادَ أَخَاً فِي اللَّهِ اسْتَفَادَ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ»^۲؛ هر کس دیگری را به

^۱ برای آگاهی بیشتر ر.ک: مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق و محمد تقی مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی.

^۲ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۲.

خاطر خدا دوست بگیرد، از خانه‌ای در بهشت بهره‌مند می‌گردد. این روایت به وضوح، دوستی با مردم را زمانی ارزش‌مند می‌داند که برای خدا باشد؛ به عبارت دیگر آنچه به مردم دوستی بها می‌دهد قید، «فی الله» است. مشابه این فرموده را در جایی مشاهده می‌کنیم که امام یکی از نشانه‌های مرّوت را «اتخاذ الإخوان فی الله» یعنی دوستی کردن با دیگران برای خدا می‌داند.^۱

در حدیث دیگری حسن بن علی و شَاء امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: «مَنْ فَرَّجَ عَنِّ مُؤْمِنٍ، فَرَّجَ اللَّهُ عَن قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲؛ هر کس مشکل مؤمنی را برطرف نماید، خدا در روز قیامت اندوه قلبی او را برطرف خواهد کرد. در این حدیث شریف، آنچه مبنای انگیزش انسان برای گره‌گشایی از کار دیگران معرفی شده است، این است که خدا در روز قیامت هم و اندوه او را رفع خواهد کرد. بدیهی است کسی که به انسان پاداش می‌دهد، خداست نه کس دیگری و کمال عمل آدمی در این است که آن عمل برای رضای خدا انجام شود.

در نمونه‌ای دیگر، راوی می‌گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد حدّ تواضع سوال نمودم. ایشان پس از بیان برخی درجات تواضع، مانند پاسخ بدی دیگران را به خوبی دادن، فرو بردن خشم و در گذشتن از خطاها و جفا‌های مردم فرمود: «وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۳؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. این جمله در حکم تعلیل موارد ذکر شده و بیان مبنای اصلی نیکی به مردم است و آن حضرت با این جمله در صدد بیان این مطلب هستند که اعمال نیک را باید برای کسب رضایت و محبت خدای متعال انجام داد.

ب. کرامت انسانی

بنای اخلاق اسلامی بر «کرامت انسانی» استقرار یافته است.^۴ حضرت ثامن الحجج علیه السلام از طریق پدران بزرگوارش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ

^۱ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷.

^۲ کافی، ج ۲، ص ۲۰۰.

^۳ همان، ص ۱۲۴.

^۴ مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۱۳۹.

بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا»^۱؛ بر شما باد به آراسته شدن به فضایل اخلاقی، چرا که پروردگارم مرا برای آنها مبعوث فرموده است. در این روایت شریف، محور اخلاق اسلامی، بلکه بعثت پیامبر، کرامت انسان ذکر شده است، از این رو یکی از مهم‌ترین مبانی مردم‌دوستی، کرامت انسانی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ادامه این روایت به برخی مکارم اخلاقی و مظاهر مردم‌دوستی اشاره فرموده است: «وَإِنَّ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ أَنْ يَعْفُوَ الرَّجُلُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ يُعْطِيَ مَنْ حَرَمَهُ وَ يَصِلَ مَنْ قَطَعَهُ وَ أَنْ يَعُودَ مَنْ لَا يَعُودُ»؛ گذشت از کسی که به انسان ظلم کرده و بخشش به کسی که از او منع نموده و صله رحم با خویشاوندی که از او بریده و بازگشت به سوی کسی که به سوی او باز نمی‌گردد، از مکارم اخلاق [و مردم‌دوستی] است.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به واسطه پدران گرامی‌اش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «اصطنع الخیر الی من هو أهله و الی من هو غیر أهله، فإن لم تصب من هو أهله فأنت أهله»؛ خوبی و احسان کن، چه به کسی که شایستگی آن را دارد و چه به کسی که شایستگی آن را ندارد، چراکه اگر به کسی که احسان نموده‌ای، لیاقت آن را نداشته باشد، تو لیاقت بذل احسان و خوبی را داری. در این روایت توجه به کرامت انسان به وضوح قابل مشاهده است. گرچه شخص نااهل، لیاقت احسان را ندارد، ولی چون تو انسان هستی و کرامت و بزرگواری و علو شأن و مرتبه داری، شایسته است که از تو فقط احسان و خیر صادر شود و نه چیز دیگری، بنابراین مردم‌دوستی، ریشه در کرامت ذاتی انسان و جایگاه رفیع او در هندسه آفرینش دارد.

ج. عقلانیت

مکتب فکری و اخلاقی امام هشتم علیه السلام، قاعده کلی سعادت‌مندی بشر را در قالب یک اصل و در طی دو جمله بیان فرموده است: «صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ»^۲؛ دوست هر کسی عقل او و دشمنش جهل اوست. بر این اساس، «عقل» در نظام فکری ایشان، به سان دیگر معصومین علیهم السلام، نقشی بنیادین و محوری دارد. در موضوع محل بحث نیز عقل مبنای مستحکم مردم‌دوستی به شمار می‌رود، به عبارت دیگر «عقلانیت» اساس و مبنای مردم‌دوستی محسوب می‌شود. امام رضا علیه السلام در حدیثی

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷۴.

^۲ کافی، ج ۱، ص ۱۱.

به واسطه پدران ارجمندش از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله چنین نقل فرموده است: «رأس العقل بعد الإيمان بالله، التودد إلى الناس و اصطناع الخیر إلى کل بر و فاجر»؛ دوستی با مردم و احسان به همه انسان‌ها اعم از نیکوکار و بدکار، پس از ایمان، در رأس عقلانیت قرار دارد.

بنابر سه مطلب مهم فوق، فلسفه و چرایی مردم‌دوستی در مکتب درخشان حضرت رضا علیه السلام این است که چون رضایت خدای متعال در ایجاد روابط صمیمانه و دوستانه با دیگران است و به این علت که کرامت انسانی انسان، حکم به اکرام و بزرگ‌داشت هم‌نوعان می‌کند و بدین سبب که عقل، صلاح کار را در حسن سلوک و رفتار با انسان‌های دیگر می‌بیند، باید مردم‌دوست و مردم‌دار بود.

۲. ابعاد و جلوه‌های مردم‌دوستی و مردم‌داری

برای دوستی و محبت به مردم و در اصطلاح مردم‌داری، ابعاد و موارد گوناگونی را می‌توان در سخنان و سیره امام رضا علیه السلام یافت. در ادامه به برخی از مهم‌ترین موارد می‌پردازیم:

الف. حسن خلق

از مهم‌ترین ابعاد مردم‌دوستی، حسن خلق یا خوش اخلاقی است. امام هشتم علیه السلام بسیار به حسن خلق، توصیه و از بداخلاقی، نهی فرموده است. آن امام بزرگوار، احادیث زیادی را به واسطه پدران گرامی خویش از رسول خدا و امیر مؤمنان علیه السلام در مورد حسن خلق و پرهیز از بداخلاقی نقل کرده که در ادامه، نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

ما من شیءٍ أثقل فی المیزان من حُسنِ الخلق؛^۱ چیزی سنگین‌تر از حسن خلق در میزان [روز قیامت] وجود ندارد.

إن العبد لینال بحسن خلقه درجة الصائم القائم؛^۲ به راستی بنده با حسن خلقش به درجه روزه‌دار شب زنده‌دار می‌رسد.

۱ همان، ص ۳۷.

۲ همان.

أكملکم ایماناً أحسنکم خلقاً؛^۱ کامل‌ترین شما از نظر ایمان، خوش‌اخلاق‌ترین شماست.

حسن الخلق خیر قرین؛^۲ اخلاق خوب، بهترین هم‌نشین است.

أحسن الناس ایماناً أحسنهم خلقاً؛^۳ بهترین مردم از نظر ایمان، خوش‌اخلاق‌ترین آنان است.

الخلق السيئ يفسد العمل كما يفسد الخلّ العسل؛^۴ اخلاق بد، عمل [صالح] را فاسد می‌کند، همان‌طور که سرکه، عسل را فاسد می‌نماید.

علیکم بحسن الخلق، فإن حسن الخلق فی الجنة لا محالة و إیاکم و سوء الخلق، فإن سوء الخلق فی النار لا محالة؛^۵ بر شما باد به خوش‌اخلاقی! چراکه اخلاق خوب قطعاً در بهشت است و بر شما باد پرهیز از بداخلاقی! زیرا بداخلاقی حتماً در جهنم است.

این روایات ارزش‌مند، به خوبی بیان‌کننده نقش اخلاق خوش در مردم‌دوستی است. اهمیت این موضوع به قدری است که امام رضا علیه السلام در روایت دیگری به نقل از پیامبر گرامی چنین می‌فرماید: «إِنَّ أَشْبَهَكُمْ بِي أَحْسَنُكُمْ خُلُقاً»^۶؛ شبیه‌ترین شما به من خوش‌اخلاق‌ترین شماست.

بی‌گمان حسن خلق، اثری اعجاز‌گونه در مردم‌دوستی دارد که این همه مورد سفارش واقع شده است. این اثر در بیان زیبای امام رضا علیه السلام قابل مشاهده است: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَشْتَرِي الْعَبِيدَ بِمَالِهِ فَيَعْتِقُهُمْ كَيْفَ لَا يَشْتَرِي الْأَحْرَارَ بِحُسْنِ خُلُقِهِ»^۷؛ در شگفتم از کسی که بردگان را به وسیله مالش می‌خرد و آزاد می‌کند، چگونه انسان‌های آزاد را به واسطه اخلاق خوبش نمی‌خرد. آری! هیچ چیز مانند خوش‌اخلاقی، باعث جلب محبت افراد به یکدیگر و دوستی و صمیمیت در میان آنان نمی‌شود.

۱ همان، ص ۳۸.

۲ همان.

۳ همان.

۴ همان، ص ۳۷.

۵ همان، ص ۳۴.

۶ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۲.

۷ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۹۲.

ب. گذشت و فرو بردن خشم

انسان شایسته از منظر حضرت ثامن الحجج علیه السلام «کاظم الغیظ» و «عاف عن الناس» است؛^۱ یعنی به دنبال آزاری که از دیگران به وی می‌رسد، هم خشم خود را فرو می‌خورد و هم از خطاها و اذیت‌های آنان در می‌گذرد و در یک کلام اهل «گذشت» است. این دو وصف ذکر شده در کلام امام، در واقع برگرفته از آیه کریمه ۱۳۴ سوره آل عمران می‌باشد: **الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ**؛ همان‌ها که در توان‌گری و تنگ‌دستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

یکی از مفسران بزرگوار در تفسیر این آیه فرموده است:

فرو بردن خشم بسیار خوب است، اما به تنهایی کافی نیست، زیرا ممکن است کینه و عداوت را از قلب انسان ریشه کن نکند. در این حال برای پایان دادن به حالت عداوت، باید «کظم غیظ» توأم با «عفو و بخشش» گردد، لذا به دنبال صفت عالی خویشتن‌داری و فرو بردن خشم، مسئله عفو و گذشت را بیان نمود. البته منظور، گذشت و عفو از کسانی است که شایسته آن‌اند، نه دشمنان خون‌آشامی که گذشت و عفو، باعث جرأت و جسارت بیشتر آنها می‌شود.^۲

آن حضرت به نقل از پدران ارجمند خویش از پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌فرماید: «مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ، كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ»^۳؛ هر کس خشم خود را کنترل کند، خداوند عذابش را از او باز می‌دارد. بدین ترتیب گذشت و کنترل خشم نیز باعث جلب محبت و احترام مردم و در نتیجه تقویت مردم‌دوستی می‌شود. امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه **(فاصفح الصّفح الجمیل)**^۴؛ به زیبایی از آنان در گذر، فرمود: **«الْعَفْوُ مِنْ غَيْرِ عِتَابٍ»**^۵؛ بخشش بدون سرزنش.

۱ کافی، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۹۸.

۳ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۱.

۴ حجر، آیه ۸۵.

۵ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷۰.

ج. تواضع و پرهیز از تحقیر دیگران

از دیگر مظاهر مردم‌دوستی در مکتب رضوی، تواضع است. حسن بن جهم از آن حضرت چنین روایت کرده است: «التَّوَّاضِعُ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَاهُ»^۱؛ تواضع آن است که آنچه را دوست داری به تو روا داشته شود، به مردم رواداری. یعنی خود را بالاتر و فراتر از دیگران نبینی و جایگاه خاصی نسبت به مردم برای خویشتن قائل نباشی. در حدیث دیگری نیز فرموده: «مَنْ اسْتَدَلَّ مُؤْمِنًا أَوْ حَقَّرَهُ لِفَقْرِهِ وَ قَلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ، شَهَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲؛ هر کس مؤمنی را خوار کند یا به سبب فقرش او را تحقیر نماید، خدا او را در روز قیامت رسوا می‌کند.

د. گره‌گشایی از کار مردم و برطرف نمودن غم و اندوه آنها

از جمله اموری که در سخنان و سیره امام رضا علیه السلام مورد تأکید واقع شده، رسیدگی به مشکلات و گرفتاری‌های مردم است. ابراهیم بن عباس می‌گوید: «هرگز ندیدم آن حضرت در صورت توان، حاجت کسی را بی‌پاسخ بگذارد.»^۳

آن امام رئوف فرموده است: «مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ، فَرَّحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۴؛ هر کس گره از کار مؤمنی بگشاید، خدا دل او را در روز قیامت شاد خواهد کرد. در حدیث دیگری از جد بزرگوارش امام صادق علیه السلام نقل فرموده:

خدای متعال به حضرت داوود فرمود: بنده‌ای از بندگان من در روز قیامت با کار نیکی نزد من می‌آید و من او را به واسطه آن عمل نیکش، وارد بهشت می‌کنم. داوود علیه السلام عرض کرد آن عمل نیک چیست؟ جواب شنید: «يَفْرِجُ عَنِ الْمُؤْمِنِ كَرْبَهُ وَ لَوْ بِتَمْرَةٍ»^۵؛ او اندوه مؤمنان را اگرچه با خرما، برطرف می‌نمود.

۱ کافی، ج ۲، ص ۱۱۳.

۲ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۶۷.

۳ همان، ص ۲۰۹.

۴ همان، ص ۳۸۷.

۵ همان، ص ۳۸۷.

هـ. بردباری و مدارا با مردم

ارتباط حسنه و دوستانه با مردم جز با بردباری و مدارا میسر نخواهد شد. آنچه باعث تداوم دوستی‌ها و ارتباطات اجتماعی می‌شود، حسن سلوک با دیگران است. امام هشتم حلم و بردباری را از نشانه‌های فهیم بودن و درک عمیق دین ذکر فرموده: «من علامات الفقه الحلم...» آن حضرت مدارا با مردم را لازمه رسیدن به درجات بالای ایمان دانسته و آن را از سنت‌ها و خصوصیات پیامبر ذکر فرموده است: «... وَأَمَّا الشُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمَدَارَةُ النَّاسِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَدَارَةِ النَّاسِ، فَقَالَ: (خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ)»^۲؛ اما سنت و خصوصیتی که مؤمن باید از پیامبرش در خود داشته باشد، [تا به واسطه آن ایمانش کامل گردد] مدارا با مردم است، چراکه خدای عز و جل، پیامبرش را به مدارای با مردم فرمان داده است: «از آنان در گذر و به نیکی امر کن.»

و. سخاوت و گشاده‌دستی

بخشنده‌گی و سخاوت از جمله صفاتی است که تالو و درخشندگی ویژه‌ای در میان تمام صفات نیک دارد و یکی از شیوه‌های ابراز محبت به دیگران است. حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «السَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ، مَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَعْصَانِهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ»^۳؛ سخاوت، درختی است در بهشت، هرکس به شاخه‌ای از شاخه‌های آن در آویزد، وارد بهشت می‌شود.

معمربن خلاد در وصف آن حضرت می‌گوید:

هنگام غذا خوردن، ظرف بزرگی را کنار سفره قرار می‌داد و از بهترین قسمت غذاهایی که در سفره بود، می‌گرفت و در آن می‌گذاشت و دستور می‌داد آن را برای فقرا ببرند. سپس این آیه را تلاوت می‌کرد: (فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ) و می‌فرمود: خدای عز و جل می‌دانست که هر کسی قادر به آزاد ساختن بنده نیست، پس راهی برای آنان به سوی بهشت قرار داد.^۴

۱ کافی، ج ۱، ص ۳۶.

۲ همان، ج ۲، ص ۲۴۲.

۳ همان، ج ۴، ص ۴۱.

۴ همان، ص ۵۲.

روزی یکی از غلامان حضرت به محضرش شرفیاب شد، حضرت فرمود: «آیا امروز چیزی انفاق نموده‌ای؟ پاسخ داد: خیر. امام به او فرمود: «فَمِنْ أَيْنَ يَخْلِفُ اللَّهُ عَلَيْنَا أَنْفِقَ وَ لَوْ دَرَهَمًا وَاحِدًا»؛ پس خدا از کجا به ما عوض می‌دهد و کمبودهای ما را جبران می‌کند؟ انفاق کن، اگرچه به اندازه یک درهم. این توصیه امام به آیه ۳۹ سوره سبأ نظر دارد که خدای سبحان می‌فرماید: (قُلْ إِنْ رَبِّي يَسْتَطِيعُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يَخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ)؛ بگو: پروردگار من برای هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشاده یا تنگ می‌گرداند و هر چیزی را انفاق کنید او جایگزین آن را می‌دهد و او بهترین روزی‌دهندگان است.

هنگامی که مردی خراسانی مال خود را در سفر از دست داد و در راه مانده بود، حاجت خود را به امام عرض کرد. امام هنگام اعطای دویست سکه طلا به او، سکه را طوری از بالای در به او داد که با آن مرد خراسانی چهره به چهره نشود. راوی می‌گوید: به حضرت عرضه داشتیم: شما که به او مال زیادی بخشیدید، پس چرا روی مبارک خود را از او پنهان داشتید؟ ایشان در جواب فرمود: «مَخَافَةَ أَنْ أَرَى ذُلَّ السُّؤَالِ فِي وَجْهِهِ لِقَضَائِي حَاجَتَهُ»؛ زیرا ترسیدم به سبب بر آورده ساختن حاجتش، شرمندگی تقاضای کمک را در صورت او بینم.^۲

نکته مهمی که در این جا نباید از نظر دور داشت، آن است که سخاوت و بخشندگی با همه ارزش و اهمیتی که دارد، در مرحله عمل از محدودیت برخوردار است و خواه ناخواه در مراتبی پایین‌تر از حسن خلق قرار می‌گیرد. امام رضا به واسطه پدران گرامیش از امیر المومنین علیه السلام چنین نقل فرموده است: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ، فَسَعَوْهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَ حُسْنِ اللَّقَاءِ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ، فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ»؛^۳ شما امکان احسان به همه مردم را با اموالتان ندارید، بنابراین با گشاده‌رویی و حسن برخورد، همه آنان را دیدار نمایید. از رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱ همان، ص ۵۴.

۲ همان، ص ۲۴.

۳ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۱.

شنیدم که فرمود: «شما نمی‌توانید با مال‌تان به همه مردم احسان کنید، پس با اخلاق‌تان آنان را مورد لطف قرار دهید.»

ز. احترام به مردم

رعایت ادب و احترام نسبت به بندگان خدا، از اخلاق و خصوصیات بارز انبیاء و اوصیاء بوده و بی‌گمان کسی در این زمینه با آنان قابل مقایسه نیست.

راوی در مورد ادب و احترام حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام چنین می‌گوید:

هرگز ندیدم امام با سخن خود کسی را بیازارد و کلام کسی را پیش از پایان یافتن آن قطع کند... پای خویش را در حضور هیچ کس دراز نمی‌کرد و هرگز در حضور کسی، تکیه نمی‌داد. هرگز ندیدم به کسی از غلامان و مملوکانش توهین نماید. هرگز ندیدم آب دهان بیندازد و قهقه سر دهد، بلکه خنده او همیشه تبسم بود.^۱

آن امام عظیم‌القدر، کمال احترام را به میهمان روا می‌داشت و به گرمی داشتن او توصیه نیز می‌فرمود: «إِنَّ مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ تَمْشِيَ مَعَهُ فَتَخْرِجَهُ مِنْ حَرِيمِكَ إِلَى الْبَابِ»^۲؛ از حقوق مهمان آن است که همراه او بروی و او را تا بیرون در، بدرقه نمایی.

شبی مهمانی بر حضرت رضا علیه السلام وارد شد. حضرت و مهمان مشغول گفت‌وگو بودند که نور چراغ ضعیف شد، میهمان دستش را دراز نمود تا نور چراغ را بیشتر کند. امام او را از این کار بازداشت، سپس خود شخصاً به آن کار مبادرت کرد و فرمود: «إِنَّا قَوْمٌ لَا نَسْتَخْدِمُ أَضْيَافَنَا»^۳؛ ما مردمی هستیم که مهمانان خود را به کار نمی‌گیریم.

^۱ همان، ص ۲۰۹.

^۲ همان، ص ۲۲۶.

^۳ همان، ص ۲۱۶.

پذیرش اکرام دیگران نیز نوعی احترام به آنهاست و در سخنان امام هشتم، بر پذیرش اکرام و احترام مردم تأکید شده است: «لا یأبی الکرامة إلا حمار»؛ اکرام مردم را جز درازگوش، کسی رد نمی‌کند. راوی می‌گوید: پرسیدم: اکرام شامل چه چیزهایی می‌شود؟

فرمود: مانند عطری [که هدیه داده شود] و [به طور کلی] هر آنچه با آن، شخصی شخص دیگر را اکرام و احترام کند.^۱

ح. سکوت و کم‌حرفی

پرهیز از زیاده‌گویی و سکوت و لب فرو بستن از آنچه گفتنش شایسته نیست، در ایجاد محبت و دوستی، بسیار مؤثر است. پیش از این نقل کردیم که امام هشتم علیه السلام هرگز کسی را با کلام خود نمی‌آزرد. در روایتی از آن وجود شریف می‌خوانیم: «مِنْ عَلَامَاتِ الْفِقْهِ: الْجِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالصَّمْتُ. إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ. إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ. إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ»^۲؛ از نشانه‌های فهم عمیق دین، حلم، علم و خاموشی و کم‌حرفی است، چراکه خاموشی دری از درهای حکمت است و باعث جلب محبت می‌شود. به راستی پرهیز از زیاده‌گویی راهنمایی‌کننده به سوی هر خیری است.

ط. پرهیز از ظلم و آزار رساندن به دیگران

بدون شک، ساده‌ترین احسان در حق دیگران، نیاززدن و ظلم نکردن به آنهاست. حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید: «المسلم الذی یسلم المسلمون من لسانه و یده. لیس منّا من لم یأمن جاره بوائقه»^۳؛ مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در امان‌اند. کسی که همسایه از شر و ظلم او در امان نیست، از ما محسوب نمی‌شود.

^۱ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۱.

^۲ کافی، ج ۲، ص ۱۱۳.

^۳ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴.

لازم به ذکر است که غیبت، تهمت، فخرفروشی، کم‌فروشی و سایر صفات از این دست نیز از مصادیق روشن و بارز آزار دیگران است و مورد نهی حضرت واقع شده است.^۱

ی. پرهیز از مکر و خدعه در حق دیگران

صداقت و یک‌رنگی با دیگران و دوری جستن از مکر و فریب در حق آنان، یکی دیگر از جلوه‌های مردم‌دوستی محسوب می‌شود. امام رضا علیه السلام از رسول خدا نقل فرموده: «لیس

مَنَّا مِنْ غَشٍّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّةً أَوْ مَآكِرَةً»^۲؛ کسی که مسلمانی را فریب داده یا زیانش رساند یا از در مکر با او وارد شود؛ از ما نیست. در حدیث دیگری نیز از لسان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ غَشَّ الْمُسْلِمِينَ فِي مَشُورَةٍ، فَقَدْ بَرَّئْتُ مِنْهُ»^۳؛ من از کسی که مسلمانی را در مقام مشورت فریب دهد، بی‌زاری می‌جویم.

ک. تشکر و سپاس‌گزاری

از جمله آداب و هنجارها در روابط اجتماعی دوستانه، زبان تشکر و سپاس‌گشودن در برابر لطف و اکرام دیگران است. این موضوع به قدری در فرهنگ رضوی از اهمیت برخوردار است که حضرت رضا علیه السلام سپاس‌نگفتن به مردم را برابر با ناسپاسی پروردگار قلم‌داد می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»^۴؛ هر کس بنده‌ای را که واسطه رسیدن خیر و نعمتی بدو شده، سپاس‌نگوید، از شکر خدای عزوجل سرباز زده است.

۳. ضوابط و حدود مردم‌دوستی

آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام؛ دین و مکتب منسجم فکری و عملی به نام اسلام را تشکیل می‌دهند. هنگامی که سخن از دین و مکتب به میان می‌آید، خواه ناخواه موضوع قواعد و ضوابط نیز مطرح

۱ ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۴ و ۲۸۸ و ج ۱۵، ص ۳۳۰.

۲ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۰.

۳ همان، ص ۶۶.

۴ همان، ص ۲۴.

می‌شود. از آن‌جا که مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام در کمال نظم و اتقان قرار دارد، همه چیز در آن ضابطه‌مند است و برای هر موضوعی ضوابط خاصی بیان شده است. مردم‌دوستی نیز چنین است و دارای حدود و ضوابطی است. گرچه مردم‌دوستی از منظر امام هشتم علیه‌السلام، ارزش و فضیلت بزرگی است، اما اگر از حدود و ضوابط آن غفلت شود، این فضیلت و ارزش بزرگ به ضد خود یعنی بی‌ارزشی و بی‌فضیلتی تبدیل خواهد شد؛ به دیگر سخن عدم توجه به این شرایط، مردم‌دوستی را به غیر آن استحاله خواهد کرد، از این رو باید به شناخت حدود مردم‌دوستی، توجه داشت و نباید از ضوابط آن غفلت نمود.

ما در این بخش به دو ضابطه کلی و مهم در مردم‌دوستی اشاره می‌کنیم. بدیهی است به کار بستن آن دو، مانع از خروج انسان از دایره مردم‌دوستی می‌شود.

الف. احکام الهی

اولین حد و ضابطه مردم‌دوستی، احکام و حدود الهی است. اگر این سؤال مطرح شود که تا کجا باید با مردم دوست و همراه بود، پاسخ این است: تا جایی که مخالفتی با احکام و حدود الهی نداشته باشد. این مطلبی است که در منظومه عمیق فکری حضرت رضا علیه‌السلام بدان توجه شده است. آن پیشوای بزرگوار می‌فرماید: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»^۱؛ اگر فرمان‌بری و همراهی دیگران به معصیت و نافرمانی خدا منجر شود، نباید از آنان اطاعت کرد.

در روایتی دیگر از طریق پدران معصومش از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل می‌فرماید: «لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بِطَاعَةِ مَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»^۲؛ کسی که به اطاعت از دیگری به قیمت معصیت و نافرمانی خالق تن در دهد، دین ندارد. این قانونی کلی در مورد دوستی و معاشرت با مردم است، چنان‌که در «حسن خلق»، با وجود تأکید و سفارش فراوان معصومین علیهم‌السلام، حد و رابطه‌ای نیز برای آن مشخص شده و آن این‌که حسن خلق، به نافرمانی خدا منجر نشود؛ به عنوان نمونه در هنگام برخورد با صحنه گناه و معصیت، نهی از منکر واجب است و یکی از مراحل نهی از منکر نیز روی در هم کشیدن و اخم کردن به گناه‌کار است. این‌جا دیگر جای تبسّم نیست، بلکه باید گناهکار را با ناراحتی خود، از گناه صورت گرفته نهی کنیم.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷۹.

^۲ همان، ص ۱۵۴.

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «أَمَرْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجُوهِ مُكْفَهَرَةٍ»^۱؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ما دستور داد که با گناه‌کاران با چهره‌هایی عبوس روبه‌رو شویم. ابراهیم بن محمد ثقفی می‌گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «مَنْ أَحَبَّ عَاصِيًا فَهُوَ عَاصٍ»^۲؛ هر کس گناه‌کاری را دوست بدارد، او نیز گناه‌کار است. البته

منظور، این است که در مورد مردم عادی، نباید به گناه‌کار راضی بود، نه این‌که با او دشمنی کرد؛ به عنوان مثال انسان پدر و مادر یا فرزند خود را هرچند گناه‌کار باشند، نباید از محبت خود محروم کند، بلکه باید نارضایتی خود را از اعمال زشت آنان ابراز کند و در صدد اصلاح برآید، اما از سران کفر و شرک و ظلم، باید با همه وجود برائت جست.

ب. عقل و اعتدال

مکتب اهل بیت علیهم السلام، مکتب عقل و اعتدال است چنانکه فرموده‌اند: «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا»^۳ پیش از این از امام هشتم علیه السلام نقل کردیم که فرمود: «صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ»^۴؛ دوست هر کسی، عقل او و دشمنش، جهل او می‌باشد. بنابراین ضابطه دیگر مردم‌دوستی، عقل و اعتدال است.

اعتدال یا میانه‌روی، صفتی است که تنظیم‌کننده آن، عقل آدمی است، به طوری که لغت‌شناسان، عقل را از آن جهت عقل نامیده‌اند که انسان را از سقوط در مهلکه‌ها ننگه می‌دارد؛^۵ توضیح آن‌که عقل، انسان را در هر زمینه‌ای از افراط و تفریط حفظ می‌کند و طریق اعتدال را به او می‌نمایاند. در مردم‌دوستی نیز باید جانب اعتدال را رعایت کرد، چراکه تفریط، انسان را از ارتباط با اجتماع و مردم‌دوستی باز می‌دارد و زیاده‌روی و افراط نیز، خود هلاکت‌بار است و انسان را از مسیر صحیح مردم‌دوستی خارج می‌کند.

۱ همان، ص ۱۴۳.

۲ همان، ص ۱۸۵.

۳ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱.

۴ کافی، ج ۱، ص ۱۱.

۵ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۵۸.

به عنوان نمونه گشاده‌دستی و انفاق، صفتی پسندیده در رابطه با دیگران است، ولی خدای متعال در قرآن کریم راه میانه را در این مورد توصیه می‌فرماید: (وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا)؛ هنگام بخشش نه چنان باش که دستت را به گردنت بسته باشی و هیچ نبخشی و نه چنان که دستت را به طور کامل بگشایی و همه آنچه را که داری، ببخشی و مورد سرزنش واقع شوی و از کار فرومانی.

مهمان‌نوازی و به مهمانی رفتن نیز صفتی خوبی و از جلوه‌های مردم‌دوستی است، ولی نباید در این کار آن قدر افراط شود که خانواده حالت ثبات خود را از دست بدهد و آرامش، فرصت و تمرکز برای امور ضروری، مانند تربیت فرزندان و کسب علم و دانش و فضایل دیگر، از دست برود.

۴. اولویت‌های مردم‌دوستی

گرچه گستره مردم‌دوستی، عموم افراد جامعه را شامل می‌شود، ولی باید توجه داشت که در بذل محبت و نعمت، اولویت‌هایی نیز وجود دارد. این اولویت‌ها از مقرب‌ترین بندگان خدا که خاندان نبوت صلی الله علیه و آله هستند، آغاز و در مرحله بعد به کسانی چون پدر و مادر، خانواده، خویشاوندان و آن گاه به سایر مردم می‌رسد.

الف. خاندان نبوت

حضرت ثامن الحجج علیه السلام به مأمون فرمود: «حب أولیاء الله تعالی واجب»^۲؛ محبت و دوستی اولیاء الهی، واجب است. روزی مأمون از آن حضرت سؤال کرد: «جدّ شما امیرالمؤمنین چرا و چگونه قسیم الجنّة و النار است؟ حضرت پاسخ فرمود: «آیا پدران تو برای تو از عبدالله بن عباس نقل نکرده‌اند که گفت: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: «محبت علی، ایمان و بغض او، کفر است؟» مأمون پاسخ داد: بله. امام فرمود: «بنابراین تقسیم بهشت و جهنم، بر اساس محبت و دشمنی او خواهد بود، پس او قسیم الجنّة و النار است.»^۳

۱ اسراء، آیه ۲۹.

۲ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴.

۳ همان، ص ۸۶.

این مطلب همان است که در قرآن کریم از زبان پیامبر اکرم خطاب به مردم آمده است: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)؛ ای پیامبر! بگو: در مقابل رسالتم از شما پاداشی جز دوستی اهل بیت نمی‌خواهم. البته پاداشی که پیامبر طلب فرموده، انتخاب راه بندگی و عبودیت خدا از طریق اهل بیت مطهرش می‌باشد و در واقع اجر و پاداشی است که نصیب دیگران می‌شود، نه پیامبر.^۲

حسین بن خالد می‌گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «النَّظَرُ إِلَى ذُرِّيَّتِنَا عِبَادَةٌ»؛ نگاه کردن به ذریه ما اهل بیت، عبادت است. پرسیدم: «فقط نگاه کردن به امامان یا همه ذریه پیامبر؟» فرمود: «بَلِ النَّظَرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يَفَارِقُوا مِنْهَا جَهً وَ لَمْ يَتَلَوَّثُوا بِالْمَعَاصِي»؛ بلکه نگاه کردن به همه فرزندان پیامبر تا جایی که از راه او جدا نشده و به گناهان آلوده نشده باشند، عبادت است.^۳

ب. پدر و مادر

از دیدگاه امام هشتم احسان و نیکی به پدر و مادر هر چند مشرک باشند، واجب است: «و بَرِّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَ إِن كَانَا مُشْرِكِينَ»^۴ و عقوق و نارضایتی آنان گناه کبیره است.^۵ مُعَمَّرُ بْنُ خَلَّادٍ می‌گوید: به حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام عرض کردم: پدر و مادرم حق را نمی‌شناسند [و بر مذهب حق نیستند]، ولی من برای آنان دعا می‌کنم. حضرت فرمود: «اگر در قید حیات نیستند [برای‌شان دعا کن و صدقه بده و اگر زنده هستند و حق را نمی‌شناسند، با آنان مدارا کن]»^۶.

ج. خانواده

^۱ شوری، آیه ۲۳.

^۲ سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۴۳.

^۳ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۱.

^۴ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴.

^۵ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۳۰.

^۶ کافی، ج ۲، ص ۱۵۹.

حضرت رضا علیه السلام از طریق پدران ارجمند خویش به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أقربکم منی مجلساً یوم القیامة أحسنکم خلقاً و خیرکم لأهله»^۱؛ نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت، خوش اخلاق‌ترین شما و بهترین‌تان نسبت به خانواده‌اش است. در روایت دیگری به همین طریق فرمود: «أحسن الناس إیماناً أحسنهم خلقاً و ألطفهم بأهله و أنا ألطفکم بأهلی»^۲؛ برترین مردم از حیث ایمان، خوش اخلاق‌ترین آنها و مهربان‌ترین‌شان نسبت به خانواده خویش است و من مهربان‌ترین شما نسبت به خانواده هستم.

د. خویشاوندان

صله ارحام و محبت به خویشاوندان از توصیه‌های مهم امام رضا علیه السلام است. ایشان به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «صِلْ رَحِمَکَ وَ لَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ وَ أَفْضَلُ مَا تُوصِلُ بِهِ الرَّحِمَ کَفُّ الْأَذَى عَنْهَا وَ صَلَّةُ الرَّحِمِ مَنْسَأَةٌ فِی الْأَجَلِ مَحَبَّةٌ فِی الْأَهْلِ»^۳؛ با خویشاوندانت اگرچه به وسیله مقداری آب، ارتباط برقرار کن، بهترین صله رحم اذیت نکردن آنهاست و صله رحم مرگ را به تأخیر می‌اندازد و باعث محبت بین خانواده و خویشاوندان می‌شود.

از منظر آن امام همام، صله رحم باعث طولانی شدن عمر می‌شود: «يَكُونُ الرَّجُلُ يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثَ سِنِينَ فَيَصِيرُهَا اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ»^۴؛ شخصی در حالی که سه سال بیشتر از عمرش باقی نمانده است، صله رحم می‌کند و خدا عمر باقی مانده او را [به سبب این کار] به سی سال افزایش می‌دهد و خدا هر کاری بخواهد انجام می‌دهد.

۵. ثمرات مردم‌دوستی و مردم‌داری

مردم‌دوستی به شرحی که پیش از این آوردیم، فواید و ثمرات بزرگی به همراه خود دارد. در ادامه به طور مختصر به برخی از مهم‌ترین این موارد می‌پردازیم:

^۱ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۸.

^۲ همان.

^۳ کافی، ج ۲، ص ۱۵۱.

^۴ همان، ص ۱۵۰.

الف. کسب رضایت الهی

در بخش‌های پیشین روایتی را نقل کردیم مبنی بر این که خدا پیامبر خود را برای ترویج مکارم اخلاقی، که مردم دوستی نیز از آن جمله است، مبعوث فرموده، بنابراین بزرگ‌ترین ثمره دوستی و محبت نسبت به مردم و احسان به آنها، کسب رضوان الهی است؛ مرتبه ای که خاصان به آن راه می‌یابند و وصول بدان، آرزوی اولیاء الهی می‌باشد. امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده است: «مَنْ أَدَخَلَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ سُورًا، خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورَ خَلْقًا، فَيَلْقَاهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَيَقُولُ لَهُ: أَبَشِّرْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ بِكَرَامَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ

رِضْوَانٍ...»^۱؛ هر کس مؤمنی را مسرور نماید، خدای عزوجل از آن سرور موجودی را خلق می‌کند که او را هنگام مرگش ملاقات می‌کند و می‌گوید: «ای ولی خدا! بشارت باد تو را به کرامت و رضوان الهی...»

ب. تکامل معنوی انسان

بدون شک یکی از مهم‌ترین ارکان سیر و سلوک الی الله، مردم‌دوستی است. از منظر اسلام کسب کمال معنوی علاوه بر ارتباط با خدای متعال و توجه قلبی به او در قالب نماز، روزه، حج و غیره، مستلزم توجه به خلق او نیز می‌باشد؛ همان خلقی که به منزله عیال و خانواده خدا هستند و توجه به آنان، در واقع توجه به خداست: «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَ أَدَخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورًا»^۲؛ مردم، خانواده خدا هستند. محبوب‌ترین مردم در نزد خدا کسی است که به خانواده او سود رساند و باعث سرور اهل خانه‌ای شود.

روایتی که پیش از این در مورد حسن خلق آوردیم، به وضوح تکامل معنوی انسان را در سایه مردم‌دوستی نشان می‌دهد: «أَكْمَلَكُمْ إِيْمَانًا أَحْسَنَكُمْ خَلْقًا»^۳؛ کامل‌ترین شما از نظر ایمان، خوش‌اخلاق‌ترین شماست. چنان‌که در روایت دیگری نیز می‌خوانیم: «إِنَّ الْعَبْدَ لِيُنَالُ بِحَسَنِ خَلْقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ»^۴؛ به راستی بنده با حسن خلقش، به درجه روزه‌دار شب زنده‌دار می‌رسد.

۱ کافی، ج ۲، ص ۱۹۲.

۲ کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۳ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷.

۴ همان.

ج. نیل به بهشت و رهایی از جهنم

پیش‌تر، برخی از روایات امام هشتم علیه السلام را که پاداش مردم دوستی را بهشت و عذاب دشمنی با مردم و آزار آنها را جهنم معرفی کرده بود، آوردیم. در این جا برخی از آنها را برای تذکر و مزید فایده، تکرار می‌کنیم:

علیکم بحسن الخلق، فإن حسن الخلق فی الجنة لا محالة و إیاکم و سوء الخلق فإن سوء الخلق فی النار لا محالة؛ بر شما باد به خوش اخلاقی، چراکه اخلاق خوب قطعاً در بهشت است و بر شما باد پرهیز از بد اخلاقی، زیرا بد اخلاقی حتماً در جهنم است.

مَنْ اسْتَدَلَّ مُؤْمِنًا أَوْ حَقْرَهُ لِفَقْرِهِ وَ قِلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ شَهَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۲

مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ، فَرَّحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۳

السَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَنْ تَعَلَّقَ بِغُضَنِ مِنْ أَغْصَانِهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ؛^۴ سخاوت درختی در بهشت است. هر کس به شاخه‌ای از شاخه‌های آن درآویزد، وارد بهشت می‌شود.

د. گسترش فرهنگ مهرورزی در جامعه

در برخی روایات مربوط به ابعاد و جلوه‌های مردم دوستی، قید «يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ» را مشاهده نمودیم. آری، مردم دوستی باعث جلب محبت افراد به یگدیگر و گسترش و اشاعه فرهنگ مهرورزی در جامعه می‌شود. امام رضا از لسان پیامبر عظیم الشان علیهم السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِالرَّحْمَةِ لَا بِالْعُقُوقِ»^۵؛ به‌راستی خدا مرا به رحمت و الفت مبعوث فرموده، نه به نامهربانی و جدایی.

۱ همان، ص ۳۴.

۲ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۶۷.

۳ همان، ج ۱۶، ص ۳۷۲.

۴ کافی، ج ۴، ص ۴۱.

۵ همان، ج ۲، ص ۱۵۹.

اگر فرهنگ رأفت و مهرورزی در جامعه حکم فرما شود، بدون شک بسیاری از معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی از بین می‌رود بلکه اصولاً مجال بروز و ظهوری برای آنان باقی نمی‌ماند. به راستی امروزه ریشه بسیاری از مشکلات روحی - روانی و اجتماعی، از قبیل فروپاشی کانون خانواده‌ها، اعتیاد، بزه‌کاری و... ریشه در ضعف فرهنگ مهرورزی در برخی سطوح جامعه دارد.

۶. نتایج

تعمق در سخنان و سیره حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام ما را به نتایج مهم زیر در باب مردم‌دوستی رهنمون ساخت:

۱. توحیدمحوری، توجه به کرامت انسانی و عقلانیت، مبانی مردم‌دوستی از منظر امام رضا علیه السلام را تشکیل می‌دهند.

۲. برخی از مهم‌ترین ابعاد و جلوه‌های مردم‌دوستی از دیدگاه آن حضرت عبارت‌اند از: حسن خلق، گذشت و فروبردن خشم، تواضع و پرهیز از تحقیر دیگران، گره‌گشایی از کار مردم و برطرف نمودن غم و اندوه آنها، بردباری و مدارا با مردم، سخاوت و گشاده‌دستی، احترام به مردم، سکوت و کم حرفی، پرهیز از ظلم و آزار رساندن به دیگران، پرهیز از مکر و خدعه در حق دیگران، تشکر و سپاسگزاری.

۳. مردم‌دوستی از دیدگاه آن حضرت، ضوابط و حدودی نیز دارد که عبارت از احکام الهی و عقل و اعتدال است.

۴. اولویت‌های مردم‌دوستی در مکتب فکری حضرت از نیکی و محبت به اهل بیت نبوت و ذریه پیامبر شروع می‌شود و در مراحل بعد به احسان و نیکی به پدر و مادر، خانواده، خویشاوندان و سایر مردم می‌رسد.

۵. ثمرات و فواید مردم‌دوستی در چشم‌انداز نظام فکری رضوی عبارت‌اند از: کسب رضایت الهی، تکامل معنوی انسان، نیل به بهشت و رهایی از جهنم و گسترش فرهنگ مهرورزی در جامعه.

منابع

- ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم: نشر دار صادر، بیروت ۱۴۱۴ق.

- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، موسسه آل البيت عليهم السلام، قم ۱۴۰۹ق.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، بی جا، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم ۱۴۱۷ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۵.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مؤسسة الوفاء، بیروت ۱۴۰۴ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، چاپ اول: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم ۱۳۸۴.
- مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، چاپ چهاردهم: انتشارات صدرا، تهران ۱۳۷۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول: دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۷۴.